

مجموعه‌ی افسانه‌های مشهور چین

فناپذیرهایی که با ارزها پادشاه‌ها می‌جنگند



بازنوشته‌ی دو آن لیکسین

تصویر گران: شو فانگ، یینگ پی‌هائو

ترجمه‌ی سمیه نوروزی



آفرینگان: ۲۷۷



در افسانه‌ها آمده است که هشت فنناپذیر، هان ژونگ‌لی، ژانگ گولاو، لو دونگ‌یین، لی تیه‌گوئه، هان شیانگ‌زی، کائو‌گو‌جیو، لان کایخه و هی شیان‌گو، دعوتِ مادرملکه‌ی غرب را قبول کردند تا در جلسه‌ی فنناپذیرها شرکت کنند. جلسه قرار بود در جزیره‌ی پریان برگزار شود، برای مزه کردنِ هلوهای طولِ عمرِ درخت‌های جادویی که هر سه‌هزار سال یک بار میوه می‌دادند. خدایان و پریان از جاهای مختلف دنیا جمع می‌شدند توی آن جزیره تا در اجتماع بزرگ حضور داشته باشند. جشنی برگزار می‌شد پُر از غذای لذیذ، پُر از نوشیدنی حیات‌بخش از کاخ آسمانی و نیز کمیاب‌ترین میوه‌ها. مهمانی بزرگی بود.



مهمانی بزرگ با شکوه فراوان تمام شد و هشت فناپذیر آماده‌ی برگشت شدند. آن‌ها به ساحل جزیره رسیدند. روبه‌رویشان دریای شرقی بود. یکی از فناپذیرها، یعنی لو دونگ‌بین، پیشنهاد کرد: «بیایید در مسیر برگشت نه سوار قایق شویم نه سوار ابرها. نظرتان چیست که برای رد شدن از دریا از قدرت‌های خودمان استفاده کنیم؟»





لی تیه‌گوئه (به معنی «عصا آهنی») گفت: «چه فکر خوبی! قرار است فقط از دریای شرقی رد شویم دیگر. کاری ندارد که!» او کدوی جادویی‌اش را پرت کرد و فریاد زد: «عوض شو!» کدو به محض برخورد با آب پهن شد. همان موقع، هان ژونگ‌لی به بادبزنش، که از برگ درخت خرما درست شده بود، فوت کرد و بادبزن تبدیل شد به بادبزی بزرگ، اندازه‌ی قایقی کوچک. هر دو پریدند روی قایقشان و برو که رفتی، زدند به آب.

